

## مدیریت کلاس درس، هنر معلمان در کلاسداری در مدارس و مراکز آموزشی

شیرین فتحی<sup>۱\*</sup>

خلیل سعیدی<sup>۲</sup>

سیده صدیقه موسوی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۵ تاریخ چاپ: ۱۴۰۰/۰۲/۲۷

### چکیده

هدف از نگارش این مقاله بررسی مدیریت کلاس درس ونحوه کلاسداری معلمان در مدارس و مراکز آموزشی است. مدیریت کلاس درس عبارت از رهبری کردن امور کلاس درس از طریق: تنظیم برنامه درسی، سازماندهی مراحل کار و منابع، سازماندهی محیط به منظور بالا بردن کار نظارت بر پیشرفت دانش آموزان و پیش بینی مسائل با لقوه است. تعریف دیگری از سازماندهی و مدیریت کلاس وجود دارد که میتوان از آنها در رهبری کلاس درس، با تکیه بر بعد انسانی آن چنین تعریف کرد: مدیریت کلاسی عبارت است، از هنر به کار بردن دانش تخصصی و بهره گیری از مهارت های کلاس داری در هدایت دانش آموزان به سوی اهداف مورد نیاز و جامعه. امروزه با وجود ایجاد تغییرات عمیق در نظام آموزش و پرورش و تغییر در سیاست ها و برنامه ریزی های آموزشی، بعضی از معلمان در رویارویی با مسائل و مشکلات آموزشی فاقد توانایی های لازم و اساسی هستند و از روش های قدیم و مهارت های سنتی و انفرادی برای اداره ی کلاس خود استفاده کنند. همین امر باعث کندی شکل گیری فرایند یاددهی- یادگیری و آسیب پذیری امر آموزش شده است. این مقاله که ابزار جمع آوری اطلاعات آن به روش کتابخانه ای است، به روش توصیفی تحلیلی به بررسی مدیریت کلاس درس می پردازد سعی شده است ابتدا تعاریفی از مدیریت و مدیریت کلاس درس ارائه شود و سپس ضرورت و اهداف عمده مدیریت کلاس درس وعناصر موثر آن بیان گردد. در ادامه به دانش آموزان مساله دارومدیریت کلاس در اشاره می گردد. در پایان پس از بحث وبررسی به نقش الگویی معلم اشاره شده وراهبردهایی جهت مدیریت موثر کلاس درس بیان می گردد.

### واژگان کلیدی

مدیریت کلاس درس، ضرورت واهداف، نقش الگویی معلم، راهبردها

۱- دبیر معارف اسلامی، آموزشگاه فاطمه زهرا (س)، متوسطه دوم، آموزش و پرورش منطقه گله دار، فارس، ایران. نویسنده مسئول.

۲- دبیر آموزشگاه شهید سهراب ناز متوسطه اول، مدیریت آموزش و پرورش شهرستان کنگان، بوشهر، ایران.

۳- دبیر ادبیات آموزشگاه بنت الهدی صدر، متوسطه اول، آموزش و پرورش منطقه گله دار، فارس، ایران.

## مقدمه

مدیریت یعنی هنر انجام دادن کارها به وسیله ی دیگران (فالت) در این تعریف، رفتار آمرانه ی معلم و همچنین خود محوری وی مورد انتقاد قرار می گیرد. با توجه به این تعریف، معلم بایستی یک راهنمای خوب باشد، ولی کارها توسط خود دانش آموز انجام شود؛ و آنها در امر یادگیری فعال باشند. بدیهی است که هر چه مشارکت دانش آموزان در فعالیتهای کلاسی و در امر یادگیری بیشتر باشد، رشد مهارت های گوناگون در آنان بیشتر می شود و متکی به خود می گردند و اعتماد بنفس در آنان رشد می کند. باید در نظر داشت که این تعریف در کلاس هایی که فراگیران دوران کودکی را طی می کنند، دارای کاربرد زیادی نیست در مقطع ابتدایی، پیش از آنکه معلم به کودکان آموزش دهد، بایستی عمدتاً خود، برنامه ریز بوده و اهداف آموزشی را دنبال کند، زیرا با توجه به ویژگی های خاص کودکان اولاً متکی به دیگران بوده و ثانیاً کم تجربه می باشند، این وظیفه به معلم برمی گردد، در حالی که آموزش بزرگسالان به دلیل اینکه آنان در امر برنامه ریزی های درسی و کلاسی، از اهمیت زیادی برخوردار می گردد. با توجه به موارد فوق در آموزش دوره های بالاتر، لازم است فراگیران، خود در امر یادگیری مشارکت داشته باشند. در تعریف دیگر مدیریت کار کردن با افراد به وسیله اعضای گروه ها برای تحقق اهداف سازمانی بیان شده است (پرداختچی ۱۳۷۲).

در این تعریف، اهمیت مشارکت معلم به عنوان رهبر و راهنمای دانش آموزان، بیشتر ملحوظ است، بدین معنی که پس از اینکه اهداف مشخص شد معلم و دانش آموزان بایستی با برنامه ریزی صحیح راه رسیدن به آن را دنبال کنند.

## تعاریفی از مدیریت کلاس

موضوع مدیریت در کلاس درس یکی از مباحثی است که در ارتقای کیفی نظام آموزش و پرورش تأثیر به سزایی دارد. پیش از بیان تعریف های مدیریت کلاس، بهتر است چند تعریف از مدیریت بیان شود.

پرداختچی (۱۳۷۲) مدیریت را کار کردن با افراد و به وسیله افراد و گروه ها برای تحقق اهداف سازمانی بیان می کند. چنانچه بخواهیم این تعریف را به مدیریت کلاس مربوط سازیم، در این تعریف اهمیت مشارکت معلم به عنوان رهبر و راهنمای دانش آموزان بیشتر ملحوظ است. او هم چنین مدیریت را مجموعه ی فرایندهایی می داند که از طریق آنها منابع انسانی و مادی مناسب و مورد نیاز فراهم می گردد و از طریق نفوذ به رفتار و افراد در جهت تحقق اهداف سازمان اثربخش می گردد. در این تعریف استفاده بهینه از ابزار و وسایل کمک آموزشی در جهت رشد یادگیری که هدف اصلی مدرسه و کلاس درس است تحقق می یابد.

صفوی (۱۳۷۲) مدیریت کلاس درس را «رهبری کردن امور کلاس درس از طریق: تنظیم برنامه ی درسی، سازماندهی مراحل کار و منابع، سازماندهی محیط به منظور بالا بردن کارایی، نظارت بر پیشرفت دانش آموزان و پیش بینی مسایل بالقوه» می داند.

رئوفی (۱۳۷۷) مدیریت کلاس درس را این گونه تعریف می کند: «مدیریت کلاس عبارت است از هنر به کار بردن دانش تخصصی و بهره گیری از مهارت های کلاس داری در هدایت دانش آموزان به سوی اهداف مطلوب مورد نیاز دانش آموزان و جامعه».

مدیریت کلاس کلهی تصمیم گیری ها و اعمالی را که برای نظم دادن به کلاس لازم است و تحت عنوان انضباط (۸۳) مطرح می شود، شامل می گردد. منظور از این گونه نظم، مدیریت، نگهداری و یا فراهم کردن محیطی است که در آن

یادگیری صحیح همراه با کاهش مسایل و مشکلات برای دانش آموزان انجام می شود (گینات، ۱۹۷۳، ترجمه سرتیپی ۱۳۷۱، ص ۳۰۵).

به نظر اسکریونر (۸۴) (۱۹۹۴) مدیریت کلاس درس به مفهوم ایجاد شرایط لازم برای تحقق یادگیری است، بر این اساس می توان نتیجه گرفت که مهارت های مدیریت کلاس درس سنگ بنای کل موفقیت در تدریس است.

### ضرورت اداره کلاس درس

اداره صحیح کلاس درس از مسائل مهم آموزشی است زیرا از این طریق معلم می تواند رفتارهای مخرب و مزاحم را اصلاح نماید و با ایجاد محیطی آرام و بدون تنش و درگیری شرکت دانش آموزان را در فعالیت های یادگیری افزایش دهد. اداره کلاس درس به نحوی موثر فعالیت های یادگیری را در دانش آموزان به حداکثر می رساند.

در آموزش شاگرد محور دانش آموزان اغلب مشغول کار گروهی و یا کار بر روی پروژه های تحقیقی، نوشتن، آزمایش کردن و سایر فعالیت های فردی و گروهی هستند؛ و در جریان آموزش یادگیرنده محور همچنین این تمایل وجود دارد که معلم بیشتر راهنما و هدایت گر گروه و نیز تسهیل کننده باشد. در نتیجه در این نوع آموزش، اداره کلاس درس معنی دار نیست و عمدتاً اداره کلاس درس مربوط به آموزش معلم محور می شود زیرا در روش های این نوع آموزش است که دانش آموزان اغلب به طور گروهی در کلاس درس حضور می یابند و برای استفاده از تدریس معلم باید مقررات کلاس را رعایت کنند.

در تحلیل محیط کلاسی والتر دوویل (۱۹۶۸) شش ویژگی را که بازتابی از پیچیدگی مشکلات بالقوه است را چنین بیان می کند.

♦ کلاس درس چند بعدی است. کلاس موقعیتی است که فعالیت های چند بعدی در آن ایجاد می شود. دامنه آن از فعالیت های تحصیلی مانند خواندن، نوشتن، حساب کردن تا فعالیت های اجتماعی مانند بازی کردن، ارتباط با دوستان و گفتگو را شامل می شود.

♦ فعالیت ها همزمان رخ می دهند. بسیاری از فعالیت های کلاسی به صورت همزمان جریان دارند. گروهی از دانش آموزان ممکن است پشت میز خود در حال نوشتن باشند، گروهی دیگر ممکن است در حال نقل داستانی برای معلم باشند و یکی دیگر ممکن است با دیگری در حال دعوا کردن باشد و....

♦ وقایع در کلاس به سرعت رخ می دهند. وقایعی که در کلاس به سرعت رخ می دهند معمولاً به یک پاسخ فوری نیاز دارند؛ مانند جر و بحث کردن دو دانش آموز بر سر مالکیت دفترچه یادداشت و....

♦ وقایع اغلب غیر قابل پیش بینی هستند. حتی اگر معلمی با دقت تمام فعالیت های روزانه را طراحی کند و سازماندهی قوی داشته باشد، باز اتفاقاتی رخ خواهد داد که هرگز انتظار آن نداشته است، مانند بیمار شدن ناگهانی یک شاگرد و....

♦ مسائل محرمانه کمی وجود دارد. کلاس یک مکان عمومی است که شاگردان به نحوه برقراری نظم هنگام وقوع مشکلات و وقایع غیر منتظره و خنثی کردن آن ها توسط معلم نگاه می کنند.

♦ کلاس برای خود تاریخ و سابقه ای دارد. شاگردان از آن چه قبلاً در کلاسشان رخ داده است خاطراتی دارند. مثلاً آن ها به خاطر دارند که معلم چگونه با یک مشکل انضباطی برخورد کرده است.

انضباط

اگرچه اصطلاح انضباط را معلمان، مدیران و دانش آموزان فراوان مورد استفاده قرار می دهند اما همیشه آن را بهترین کلمه ممکن برای آن منظور خاص نمی دانند. در واقع سال ها شده است که عبارت پسندیده تر مدیریت کلاس (اداره کلاس) به دلیل محترمانه تر بودن ترجیح داده می شود. یکی از دلایل این ترجیح به حرکت های فلسفی اخیر در تعلیم و تربیت بر می گردد که می توان گفت آسان گیرتر، انسان گراتر و کودک محورتر شده است.

### تفاوت انضباط با اداره کلاس

اگر چه دواصطلاح ایجاد انضباط و مدیریت کلاس اغلب مترادف دانسته می شوند، میان آن ها تفاوت مهمی وجود دارد. به بیان ساده مدیریت کلاس به تنظیم فعالیت های کلاسی به منظور تسهیل تدریس و یادگیری اشاره دارد اما ایجاد انضباط به آن اعمالی اشاره می کند که معلمان به دلیل رفتارهای مختل کننده در فعالیت های کلاسی از جانب دانش آموزان انجام می دهند.

### اهداف عمده مدیریت کلاس درس

روش معلم در مدیریت کلاس براساس جهت گیری های انسانی در محیط کلاس است. معلم باید به دانش آموزان به عنوان افراد مجزا و مستقل نگاه کند و راه های مناسب برای پذیرش و اجرای رفتاری خاص را در هر دانش آموز پیدا نماید. از نظر بیکروستراپ (۸۵) (۲۰۰۰)، اهداف عمده مدیریت کلاس درس شامل موارد زیر است:

- ۱ - برنامه ریزی درسی بر پایه ی آمیزه ای از تنوع و هدف
  - ۲ - ارائه ی دستورالعمل های شفاف به دانش آموزان در مورد فعالیت های درسی
  - ۳ - هدایت و نظارت بر یادگیری و فعالیت های دانش آموزان
  - ۴ - بکارگیری ابزارهای آموزشی و منابع یادگیری و تدریس
  - ۵ - حرکت منطقی از یک مرحله از تدریس به مرحله دیگری از تدریس
  - ۶ - زمان بندی فعالیت های کلاسی و ایجاد توازن در آنها
  - ۷ - شروع و خاتمه هدفمند درس
- پس دیده می شود اصطلاح مدیریت کلاس با اصطلاح نظم و انضباط معادل نبوده و مدیریت کلاس را می توان مجموعه ای از برنامه ریزی ها و اقداماتی دانست که معلم برای اطمینان یافتن از اثربخشی و کارایی یادگیری در کلاس انجام می دهد معلمانی که در امر مدیریت کلاس موفق هستند نظم و انضباط را در جایگاه مناسب آن در کل صحنه ی آموزش قرار می دهند. با اجرای طرح ها و برنامه های مدیریت کلاس معلم نه تنها امیدوار است که میزان یادگیری دانش آموزان فزونی یابد، بلکه هم چنین به آنان کمک می کند که متوجهی رفتار خود باشند و آن را اصلاح نمایند (صیامی، ۱۳۸۰).

### عناصر مؤثر بر مدیریت کلاس

در مدیریت کلاس عوامل و عناصر گوناگونی دخیل هستند. مدیریت کلاس شامل روش های عادی مدیریتی، آموزشی و رفتارهای تعاملی کلاس و عناصر دیگری است. بختیار نصرآبادی و نوروزی (۱۳۸۲) روی شش عنصر راهبردی مؤثر به شرح زیر تأکید دارند:

- ۱ - برنامه ریزی: معلمانی که برنامه ریزی می کنند انتظارات خود را به دانش آموزان منتقل می نمایند در نتیجه پیشرفت علمی و یادگیری آنان را بالاتر می برند.

۲- وضع قوانینی ساده و مؤثر: هدف قوانین مدرسه و کلاس افزایش پیشرفت اجتماعی و علمی دانش آموزان است (کانجلوسی (۸۶)، ۱۹۹۰). معلمان که مدیرانی مؤثر به حساب می آیند به فراگیرانشان یاد می دهند که چطور به قوانین عمل کنند و عمل به آن را ادامه دهند. در قوانین کلاسی کارهای عادی کلاس سازمان دهی می شود. سادگی در فهم و عمل به قوانین مؤثر است.

۳- بازخورد مثبت در آغاز کار: معلمان موفق شیوه های تدریس و کنترل کلاس را در آغاز سال تحصیلی با دانش آموزانشان به بحث و تبادل نظر می گذرانند و فرصت هایی را فراهم می کنند تا دانش آموزان قوانین را با سؤال در مورد آنها خوب بفهمند (لومباردی (۸۷)، ۱۹۹۲، تاویر (۸۸)، ۱۹۹۰).

۴- جهت دهی روشن و واضح و مثبت: اگر چه جهت دهی های آموزشی یا روش های کلاسی باید مختصر و واضح باشند، ولی با توجه به اهمیت جهت دهی ها، آنها باید مثبت باشند. جهت دهی های منفی باعث ایجاد روحیه شکست در دانش آموزان می شود.

۵- تصویرسازی سازمان دهی و کنترل کلاس: معلمان مؤثر، رفتار دانش آموزان را در کلاس درس خود به تصویر می کشند. آنان به هر دانش آموزی مسئولیتی برای انجام کار در خلال فعالیت یادگیری ارائه می دهند و سپس تصویری برای آن چه که دانش آموز باید عملاً انجام دهد به وجود می آورند.

۶- ثبت نمره ها و امتیازها: هر معلمی وظیفه ی ثبت نمره ها، میزان حضور و مشارکت در کلاس، مسایل مربوط به انضباط و ثبت دیگر جنبه های کلاس را بر عهده دارد و برای منصف بودن، منطقی بودن و با ثبات بودن، نیازمند به یک روش منظم برای ثبت و نگهداری اطلاعات و نمره ها است.

مرعشی (۱۳۷۱) در مورد اداره ی کلاس و عوامل مؤثر در آن در یکی از مقاله های خود می نویسد: اداره ی کلاس با محیط و موقعیت کلاس ارتباط دارد. موقعیت ها عبارتند از هدف های آموزشی، رفتار معلم، مشارکت شاگردان، زمان درس، عده ی دانش آموزان، وسایل و فضای کلاس و مانند آنها. وی هم چنین مسایل، عوامل و ابزارهای مدیریت و سازمان کلاس درس را به هفت بخش زیر تقسیم بندی می کند:

۱- مدیریت و سازماندهی کلاس درس

۲- عوامل مؤثر در مدیریت و سازماندهی کلاس

۳- مسایل و مشکلات مدیریت کلاس

۴- برنامه های درسی و سازماندهی فعالیت ها

۵- نظم و انضباط

۶- تشویق و تنبیه

۷- ارزشیابی

موانع و مشکلات مدیریت کلاس:

در مدیریت کلاس با شرایط اقلیمی، جغرافیایی و شرایط کمی و کیفی و استانداردهای متفاوت و ضوابط موجود و جو کلاس، موانع و مشکلات مدیریتی مختلفی در کلاس ایجاد می شود. البته ابتدا باید تعریف روشن از موانع و مشکلات مدیریت کلاس داشته باشیم. منظور ما از مشکلات مدیریتی هر گونه موقعیتی است که محیط یادگیری را مختل می کند و یا موجب حواس پرتی دانش آموزان و یا معلم می شود.

صیامی (۱۳۸۰) به نقل از کیندزواتر (۸۹) (۱۹۷۸) منشأ رفتارهایی که معلمان آنها رامتکلات مدیریتی تلقی می کنند را خود معلمان، متکلات عاطفی دانش آموزان و رفتارهای غیر عمدی و ناپایدار دانش آموزان بیان می کند. فرانسیس (۱۹۷۵) چهار منبع اصطکاک را با عنوان سر و صدا، وسایل، تحرک و پیچ توصیف کرده است. هیچ یک از این منابع به تنهایی برای اقتدار معلم مشکل مهمی محسوب نمی شود ولی چنانچه هر یک از آنها به شکلی نادرست اداره شود، می تواند از تحریکی جزئی به صورت برخوردی مهم ظاهر شود (صبایان، ۱۳۸۰).

مطالعات نشان می دهد که اغلب ۳۰ درصد یا بیشتر زمان آموزشی در هر روز به صورت پیش بینی شده و یا پیش بینی نشده از بین می رود و از دست دادن زمان به هر علتی که باشد تأثیر منفی بر پیشرفت علمی فراگیران می گذارد و شرایطی را برای متکلات رفتاری دانش آموزان ایجاد می کند (اورتسون و هاریس (۹۰)، ۱۹۹۲).

وقفه های هنگام راهنمایی های معلم قبل و بعد از یک بخش آموزشی، دلیل اکثر متکلات مدیریتی کلاس و از دست دادن فرصت هاست. در طول کار روزانه اتفاق های پیش بینی نشده زیادی روی می دهند که این وقایع ممکن است به وسیله دانش آموزان، مربیان مدرسه و مشاهده کنندگان آغاز شود.

هر کلاسی دارای زنجیره ای از خصوصیت ها است که در مقایسه با کلاس های دیگر و با شخصیت و شیوه ی کار معلم فضای مربوط به خود را به وجود می آورد. برخی از ویژگی ها را در تمام کلاس ها می توان یافت و لازم است آنها را در حرفه ی معلمی و اداره ی کلاس مورد توجه قرار داد. (زمانی، ۱۳۷۹) به نقل از دوئل (۹۱) (۱۹۷۹) این ویژگی ها را چنین توصیف می کند:

۱ - کلاس محیطی چند بعدی است.

۲ - بسیاری از حوادث کلاس به صورت هم زمان روی می دهد.

۳ - حوادث کلاسی نه تنها چند بعدی و هم زمان است، بلکه هر کدام از آنها به لحظه ای خاص مربوط می شود. به عبارت دیگر اکثر اتفاق هایی که با هم در کلاس روی می دهد، نیاز به عکس العمل آنی و لحظه ای معلم دارد.

۴ - علاوه بر آنی بودن، چند بعدی بودن و هم زمان بودن فعالیت ها، مهم ترین ویژگی هر کلاس این است که جریان فعالیت ها در کلاس بسیار غیر قابل پیش بینی است. اداره کردن چنین محیطی نیازمند تصمیمات آنی، سریع و مداوم است و به مهارت های خاص مدیریتی نیاز دارد.

### دانش آموزان مسأله دار و مدیریت کلاس

در واقع بسیاری از معلمان نمی دانند وقتی شاگردانشان با احساسات یا مسایلی روبرو می شوند، چه باید بکنند. به روی خودشان نیاورند و امیدوار باشند مسأله خودش حل شود؟ به دانش آموز بگویند متکلات آنان به کلاس ربطی ندارد؟ دانش آموز را نزد مشاور مدرسه بفرستند؟ رفتار وی را با تهدید و تنبیه سرکوب کنند؟ ...

به طور یقین مسایل دانش آموزان نمی تواند در خانه بماند. شک نیست که آنان را به مدرسه می آورند و وقتی به مدرسه آورده شد، به طور جدی محل فرآیند یادگیری است و گاهی حتی در عمل یادگیری را غیر ممکن می سازد. وقتی دانش آموزان گرفتار احساسات شدید یا غم و غصه می گردند، چون امنیت آنان به مخاطره افتاده و احتیاجات جسمی شان اغنا نشده یا فکر می کنند کنار گذاشته شده اند و ارزشی ندارند یا مورد محبت نیستند، قدرت انجام کارهای مدرسه شان نقصان می یابد. در این اوقات به اجبار سعی معلم در تدریس کم و بیش به بن بست می رسد و حتی شاید عقیم بماند.

تلاش برای شناخت منشأ رفتارهای ناشایست دانش‌آموزان شایان توجه است. با آگاهی از منشأ این گونه رفتارها است که می‌توان برای شناخت علل آنها اقدامات مناسب به عمل آورد.

هر معلمی باید از شیوه‌های گوناگون مقابله با مشکلات مدیریت کلاس آگاهی کامل داشته باشد. به‌هنگام تعیین خط مشی مقابله با مشکلات مدیریت کلاس باید هدف اصلی خود را مشخص کند و از خود بپرسد که اقدامات او تا چه حد در رسیدن به آن هدف مؤثر خواهند بود.

کیندزواتر، (۱۹۷۸) یادآوری می‌کند که معلمان می‌توانند با بیان انتظارات خود در اولین روزهای آغاز سال تحصیلی و یا در اولین جلسه‌ی کلاس درس، به‌بهترین شکلی با مشکلات عاطفی دانش‌آموزان روبرو شوند. البته معلم باید انتظارات خود را در قالب جملات مثبت و محبت‌آمیز بیان کند تا دانش‌آموزان دریابند که این انتظارات ماهیت تنبیهی ندارند بلکه بخشی از مقررات عادی یک کلاس هستند. هوارد (۹۲)، (۱۹۷۴) تأکید کرده است که معلمان هرگز نباید به‌منظور تقویت نظم و انضباط در کلاس به تهدید متوسل شوند. هم‌چنین او معتقد است که معلمان باید در جلو کلاس از جر و بحث کردن با دانش‌آموزان اجتناب کنند (صیامی، ۱۳۸۰).

خانه و محیط‌های خارج از مدرسه تأثیر عمده‌ای روی دانش‌آموزان و در نتیجه مشکلات کلاس درس و مختل کردن فعالیت‌های یادگیری دارند (تابر، به‌نقل از سرکارآرانی، ۱۳۷۹) معتقد است ما به‌عنوان معلم در مورد این عوامل کار زیادی نمی‌توانیم انجام دهیم. ما می‌توانیم آن سلسله عوامل درون مدرسه را که سبب تمایل دانش‌آموز به یادگیری می‌شوند، مورد بحث قرار دهیم. وی به‌پیش‌نهادهایی در این خصوص اشاره می‌کند که در زیر، چند مورد از آنها آورده شده است.

توجه داشتن به دانش‌آموزان، محیط کلاس را به‌نحو مطلوبی سازماندهی کردن، در صورت امکان برخی از رفتارهای ناشایست را نادیده گرفتن، به دانش‌آموزان در یافتن راه حل مشکلاتشان کمک کردن، بدرفتاری دانش‌آموزان را به‌خود ارتباط ندادن، از تجارب همکاران بهره گرفتن، به دانش‌آموزان مسئولیت‌هایی در حد توانشان واگذار کردن، بدون ایجاد تشویق یا احساس تنبیه در دانش‌آموز، او را با یکی از دانش‌آموزان کلاس دیگر جابه‌جا کردن و...

تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و مسایل و مشکلاتشان سبب می‌شود که در هنگام بروز، با این دانش‌آموزان متناسب با مقتضیات زمانی و شرایط و روحیه‌ی افراد و جو کلاس راهکاری مناسبی به کار برد و رویکرد مناسبی جهت حل مشکل اتخاذ کرد.

### معلم و مدیریت کلاس

وظیفه‌ی معلم ساختن فرمول‌هایی برای مدیریت کلاس است. روش تدریس و فلسفه‌ای که براساس آن آموزش می‌دهد بر نحوه‌ی مدیریت کلاس مؤثر است و نحوه‌ی مدیریت کلاس نیز بر روش تدریس مؤثر بوده و تجارب موفقیت‌آمیز کلاس را بالا خواهد برد. همان‌طور که اکثر معلمان موفق و کارآزموده از روش‌های آزمایش‌شده و موفق استفاده می‌کنند.

وظیفه‌ی معلمی روز به‌روز پیچیده‌تر می‌شود، مرعشی (۱۳۷۱) در یکی از مقاله‌های خود می‌نویسد: در دنیای کنونی نقش معلم از امر کننده یا ارباب و تلقین‌کننده‌ی دانش به تدریج به‌سوی رهبری و مدیریت برنامه‌ریزی شده تغییر کرده است. نقش جدید معلم اهمیت آموزش مدیریت کلاس درس را روشن‌تر می‌کند. اکنون معلم خوب یعنی یک روان‌شناس، یک جامعه‌شناس، یک کارشناس علوم تربیتی و سرانجام یک مدیر آموزشی است.

کونین (۹۳) (۱۹۷۰) شیوهی کار معلمان موفق و ناموفق را در اداره‌ی کلاس مورد بررسی قرار داده است. به نظر او یکی از ویژگی‌های مهم معلم در اداره‌ی کلاس «توجه چندبعدی» است. یعنی این که معلم بتواند فعالیت لحظه به لحظه‌ی همه‌ی دانش‌آموزان را در کلاس زیر نظر داشته باشد و دانش‌آموزان نیز از این توانایی معلم خود آگاهی داشته باشند (صیامی، ۱۳۷۹).

بیکر و ستراب (۲۰۰۰) مهم‌ترین چالش‌های معلمان در مدیریت کلاس درس به خصوص کلاس‌های پر تعداد را در موارد زیر می‌دانند:

۱ - پرداختن به دانش‌آموزانی که توانایی‌های آنان بسیار متفاوت از دیگران است.

۲ - جلب توجه همه‌ی دانش‌آموزان به درس

۳ - انجام دادن کارهای شفاهی و کارهای گروهی

۴ - ایجاد یا تقویت انگیزه دانش‌آموزان برای یادگیری

۵ - نظارت بر رفتار دانش‌آموزان

۶ - کمک به دانش‌آموزان ضعیف‌تر برای همگام کردن آنان با کل کلاس

۷ - نظارت بر پیشرفت یکایک دانش‌آموزان

۸ - تصحیح انبوهی از تکالیف نوشتاری

معلم به مهارت‌ها و فنونی سازمان دهنده نیاز دارد تا شرایط بهینه‌ای را برای تحقق یادگیری خلق کند. این مهارت‌ها و فنون در قالب مدیریت کلاس درس می‌گنجد.

ویژگی‌های عمومی معلمان نیز در زمینه‌ی مدیریت مؤثر کلاس تأثیر زیادی دارد. صیامی (۱۳۷۹) به نقل از بروفی و پوتنام (۹۴) می‌گوید: هر معلم اثربخش باید فردی بشاش، خوش اخلاق، عاطفی، برخوردار از سلامت روانی و انطباق‌پذیر باشد. به طور دقیق‌تر، معلمان مؤثر و کارا افرادی هستند که باید بتوانند در لحظه‌های بحرانی خونسردی خود را حفظ کنند و بدون اتخاذ موضعی تدافعی یا سلطه جویانه به حرف‌های دانش‌آموزان گوش بدهند و از برخوردهایی که در آنان مسأله برد و باخت مطرح است، پرهیزند و به جای پس‌روی، سرزنش، آزار و اذیت و دیگر واکنش‌های افراطی، موضع حل مسأله را برگزینند.

زمانی (۱۳۷۸) به نقل از ایزنر (۹۵) (۱۹۸۲) می‌گوید: برخی از معلمان در هنر معلمی استعداد بیشتری دارند، اگرچه ممکن است به ضرورت در علم معلمی استعداد خوبی نداشته باشند. این معلمان می‌توانند به صورتی ماهرانه فضای کلاس را برای یادگیری مساعد و آن را دل‌انگیز کنند.

معلم باید قادر به توصیف دقیق و تخصصی رفتارهایی که به آنها اشاره می‌کند، باشد و روشن نماید که چگونه دانش‌آموزان می‌توانند الگوی کاربرد رفتارهای مطلوب در کلاس باشند (اورستون (۹۶)، ۱۹۹۵).

## راهکارهای نفوذ معنوی معلم در دل دانش‌آموزان

### نقش الگویی معلم

یکی از راه‌های پرورش نیروی انسانی در سطح کلان اجتماعی، الگوسازی است. اسوه‌ها نمونه‌های بشری هستند که گفتار، کردار و سلوک و عقیده‌شان سرمشق عینی دیگران و روش، منش و بینش آنان مورد تأیید دین و معیار زندگی دیگران قرار می‌گیرد (عباسی مقدم، ۱۳۷۹: ۵۹-۴۵). معلمان اخلاق‌مدار و صاحب علم و فرزانه‌گی، در زمره معلمان

الهام بخش قرار دارند که افق خویش را از سطح انتقال معلومات و داده‌های علمی فراتر می‌برند و با صید قلب‌ها و فرصت‌ها شاگردان را در پی خود می‌برند و با تأثیرگذاری عمیق در وجود ایشان، شأنی پیامبرگون یافته‌اند (رمضانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۵۷). این فرزندگان متعهد، به‌عنوان نمونه‌های عینی هدایت، به طریقی مؤثر آحاد جامعه را در مسیر تعالی و رشد و بالندگی قرار خواهند داد و با پرورش شاگردانی متکی بر فضیلت و علم و تقوا حتی بعد از مرگ نیز همچنان برای افراد انسانی نقش الگو و اسوه خواهند داشت. اسوه‌ها مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی‌اند که قادرند افراد را بدون تهدید و یا تشویق، به سمت و سوی خود جذب کنند. اینان در حقیقت از طریق تأثیرگذاری بر ذهن و روان مخاطبان، آنان را وادار می‌کنند بدون اکراه، موضوعی را بپذیرند و یا مانند آن عمل کنند (ناظمی اردکانی، ۱۳۹۵: ۱۵)؛ بنابراین، نهاده‌سازی ارزش‌ها و رفتارهای صحیح در پرتو اسلام ناب محمدی (ص) در اذهان و رفتار دانش‌آموزان بیش از هر چیز به نحوه رفتار و گفتار و کردار معلمان بستگی دارد. نفوذ معنوی معلم در بین مخاطبان و در اصطلاح امروز «قدرت نرم» از جمله مسائل مهم تأثیرگذار در دیگران است.

به‌طور کلی، قدرت به معنای توانایی اعمال نفوذ در رفتار دیگران برای دستیابی به نتیجه مطلوب و اهداف دلخواه است. زور، تطمیع و ارعاب از روش‌های گوناگون نیل به قدرت است که از آن به قدرت سخت<sup>۲</sup> تعبیر شده است. تشخیص اینکه قدرت می‌تواند بدون کاربرد تهدید یا تشویق به صورت ناخودآگاه بر روان مخاطب اثر بگذارد، در آرای اندیشمندانی چون جوزف نای<sup>۳</sup> و میشل فوکو<sup>۴</sup> و دیگران قابل بررسی است (اسکندری، رستم‌زاده، ۱۳۹۵: ۸۵) که از آن به قدرت نرم تعبیر می‌کنند. تأثیر قدرت نرم تا حد زیادی بستگی به قبول مخاطبان دریافت‌کننده دارد (ترابی، ۱۳۸۹: ۸۷). ماهیت قدرت نرم در گفتمان اسلامی به‌شدت اخلاقی و مبتنی بر ارزش‌های دینی و اخلاقی است. خدامحوری، توسل و ارتباط معنوی با معصومین - علیهم‌السلام - عدالت‌خواهی، خوش‌خویی و تعامل درست با دیگران از جمله مؤلفه‌های قدرت نرم در اسلام به‌شمار می‌رود. همچنین، اعتقاد به اصل امامت و پیروی از ولایت فقیه در فرهنگ سیاسی شیعه یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در قدرت نرم به‌شمار می‌رود (ملک‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۲۲).

معلم در جریان آموزش باید به بینش و نگرش خود صبغه الهی ببخشد و با بهره‌گیری از نقش الگوشوندگی خویش در جهت اصلاح نسل نوجوان و تعالی آن به سوی توحید گام بردارد. او می‌تواند در پرتو شریعت، ارتباط با پروردگار، توسل به معصومین (ع)، رعایت تقوا و سبک زندگی اسلامی را به‌عنوان مبانی فکری ارزش‌ها برای مخاطبان خود تبیین نماید (فرهادیان، ۱۳۹۸: ۱۵-۱۸). از این روی، توجه به ارزش‌ها و نهاده‌کردن آن در دانش‌آموزان از اهمیت بسزایی برخوردار است.

ارزش‌ها حیات یک ملت را به وجود می‌آورند. اموری که برای یک ملت مطلوب و پذیرفته شده هستند و افراد، رفتار و گفتار خود را بر پایه آن امور موجه و مشروع می‌دانند، «ارزش» نامیده می‌شود (ملکی، ۱۳۷۶: ۳۳). تنها معرفی ارزش‌ها کافی نیست بلکه باید آن‌ها را در طبیعت مخاطب، نهاده ساخت. نهاده‌کردن ارزش‌ها در حقیقت عملیاتی کردن و اجرایی نمودن سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش کشور است (فرهادیان، ۱۳۹۸: ۱۹، ۲۵ و ۲۷).

<sup>۱</sup> - Soft power

<sup>۲</sup> - Hard power

<sup>۳</sup> - Joseph Nye

<sup>۴</sup> - Michel Foucault

یکی از اصول مهم نهاده‌سازی ارزش‌ها عامل بودن خود معلم و یا مربی بدان‌هاست. بهترین روش تربیت آن است که مربی خود را تربیت کند (مظاهری، ۱۳۷۶: ۲۲)؛ چرا که گفتار و رفتار معلمان و مربیان همواره در برابر دیدگان نقاد نوجوانان قرار دارد. امام علی (ع) در حکمت هفتاد و سوم نهج‌البلاغه درباره اهمیت تربیت نفس، به‌خصوص از سوی رهبران و پیشوایان مردم، می‌فرماید: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَلَيْكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِرِّهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مَعْلَمِ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبَهَا أَحَقُّ بِالْأَجَلِ مِنَ مَعْلَمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ»؛ کسی که خود را در مقام پیشوایی و امامت بر مردم قرار می‌دهد، باید پیش از آنکه به تعلیم دیگران می‌پردازد، به تعلیم خویش بپردازد و باید تأدیب و تعلیم او نسبت به دیگران پیش از آنکه با زبانش باشد، با عمل صورت گیرد و کسی که معلم و ادب‌کننده خویش است، به احترام سزاوارتر از کسی است که معلم و مربی مردم است (مکارم، ۱۳۹۰: حکمت ۷۳).

### راهبردهایی جهت مدیریت مؤثر کلاس

معلمان به‌مهارت‌های علمی و فنی خاصی نیاز دارند تا در مدیریت کلاس درس موفق شوند. مدیریت کلاس اولین سطح مدیریت آموزشی است و پایه‌ی سطوح بالاتر مدیریت محسوب می‌شود.

لاسل و اسمیت (۹۷) (۱۳۷۵) توجه معلمان را نسبت به اهمیت مدیریت مؤثر در کلاس نه به‌عنوان صفت ساده‌ای که هر یک از معلمان آن را دارند، بلکه به‌عنوان مجموعه‌ای مرکب از مهارت، دانش و شناخت که می‌تواند پرورنده شود، جلب می‌نماید و تدریس را دارای چهار جنبه‌ی مدیریت، میانجیگری، اصلاح و نظارت می‌داند.

مرعشی (۱۳۷۱) معتقد است: در نظام آموزش و پرورش جدید، زمانی گفته می‌شود کلاس خوب اداره شده است که دانش‌آموزان بتوانند با شرکت مؤثر در جریان فعالیت‌های آموزشی مطالب درسی را به‌خوبی فرا گیرند و در طراحی و اجرای برنامه‌های تحصیلی سهمیم باشند و معلم نیز عکس‌العمل فردی و جمعی دانش‌آموزان در تنظیم برنامه‌های درسی را مورد توجه قرار دهد.

### نتیجه‌گیری

معلم موفق کسی است که کلاس درس را به گونه‌ای آماده سازد تا پاسخ‌گوی تمامی چالش‌ها در طول تدریس باشد. معلم باید توانایی‌های خود را بشناسد، روش تدریس خود را ارزیابی کند و اگر روش‌ها قدیمی و کهنه باشند روش پویا و زنده‌ای را پیش گیرد تا روحیه‌ی خلاقیت و نوآوری را در نهاد دانش‌آموزان شکوفا سازد. او باید روش‌های برخورد با مشکلات درس را بشناسد و راهبردی را اتخاذ کند که فرایند یاددهی-یادگیری را مختل نسازد و مشکلات جزئی کلاس او، به مشکلات کلی و وخیم تبدیل نشود. هم‌چنین باید رفتاری داشته باشد که دانش‌آموختگان کلاس درس او، مسائل آموزشی و مشکلات رفتاری خود را در محیطی آرام و سرشار از محبت و غیر تهدیدآمیز حل کنند.

به گفته‌ی ایرنر، برخی از معلمان در هنر معلمی استعداد بیش‌تری دارند؛ اگرچه ممکن است ضرورتاً در علم معلمی استعداد خوبی نداشته باشند. این گروه از معلمان می‌توانند، فضای کلاس را به صورتی ماهرانه برای یادگیری، مساعد و دل‌انگیز کنند و مسائل و مشکلات انضباطی آن را به حداقل برسانند.

مدیریت کلاس درس زرهی نیست که معلمان از نخستین روز تدریس بر تن کنند و خود را در برابر مشکلات کلاس و چالش‌ها ایمن سازند، بلکه مهارتی است که هر روز با تجربه و تأمل و دقت معلم در کلاس کامل می‌شود و معلم را در امر تدریس کارآمدتر می‌سازد.

به طور خلاصه می توان گفت: به منظور ایجاد نظم و تغییر مدیریت کلاسی، سه شرط لازم است و این شروط عبارتند از:

روش تدریس مناسب، ویژگی های شخصیتی معلم و استفاده از فنون تدریس، هر کدام از موارد ذکر شده به صورت مهندسی شده و کاربردی، در این مقاله توصیف و تبیین گردید. در پایان پیشنهادهایی با توجه به مطالب ذکر شده در این مقاله ارائه می گردد؛

- تشکیل کارگاههای آموزشی و اجرای فنون تدریس به صورت علمی در این کارگاهها برای تمامی کسانی که با تدریس و به طور کلی آموزش سر و کار دارند.

- تشکیل دورههای ضمن خدمت به منظور آشنایی همه معلمان با روش های تدریس گوناگون تا معلمان بتوانند در مواقع ضروری آن روش ها را به کار گیرند.

- برگزاری همایش، سمینارها و نشست های علمی و جلسات شورای معلمان می تواند فرصت بسیار مناسبی جهت بحث پیرامون انضباط کلاسی فراهم آورد.

- دعوت از افراد موفق برای ایراد سخنرانی در جلسات شورای معلمان پیرامون چگونگی مدیریت کلاس درس.

- تغییر محتوای کتب درسی با توجه به روش های فعال تدریس و ارائه ی محتوا براساس تفکر واگرا به جای تفکر همگرا به منظور در گیر کردن شاگردان با مطالب و کمرنگ کردن روش های تدریس سنتی.

-تبیین ویژگی های یک معلم نمونه از نظر شخصیتی و اخلاقی و ارائه ی الگوهای مناسب توسط گروه های آموزشی، رسانه ها و آموزش و پرورش و استخدام معلمانی با ویژگی های شخصیتی مناسب.

- تقدیر از معلمانی که بدون تنبیه و خشونت به بهترین نحو ممکن کلاس درس خود را مدیریت مینمایند و تهیه ی فیلم و سی دی از الگوهای تدریس این معلمین جهت استفاده ی سایر همکاران و...

## منابع و مآخذ

- براون، سالی. (۱۳۸۲). «راهنمای تدریس موثر» (ترجمه کوروش فتحی واجارگاه). تهران: آییژ
- بیلر، رابرت فردریک. (۱۳۷۶). «کاربرد روانشناسی در آموزش» (ترجمه پروین کدیور). تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- رگ، ادوارد کنراد. (۱۳۸۲). «مدیریت کلاس در دبستان» (ترجمه علیرضا کیامنش، کامران گنجی). تهران: رشد
- رمضانی، فاطمه؛ حیدری، محمدحسین؛ نوروزی، رضاعلی. (۱۳۹۸). «بازشناسی الگوی معلم الهام بخش مبتنی بر احوالات سه معلم برجسته ایران معاصر»، محمدحسین نایینی، محمد حسین طباطبایی و مرتضی مطهری». فصلنامه علمی تربیت اسلامی، سال ۱۴، شماره ۳۰، صص ۱۷۶ - ۱۵۵.
- رؤوف، علی. (۱۳۸۷). «آنچه یاد می دهیم، آنچه یاد می گیرند:» برای مدیران مدرسه، معلمان و پدران و مادران». چاپ دوم. تهران: مدرسه.
- سجادی، اسکندر (۱۳۷۶) « هدف از تدریس چیست» مقاله زیر چاپ دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تبریز.
- شجاعی، محمدصادق. (۱۳۸۶). «نظریه نیازهای معنوی از دیدگاه اسلام و تناظر آن با سلسله مراتب نیازهای مازلو، مطالعات اسلام و روان شناسی»، شماره ۱، (پاییز و زمستان) صص ۸۷-۱۱۶.
- شعبانی، حسن (۱۳۷۱)، «مهارتهای آموزشی و پرورشی (روشها و فنون تدریس)»، انتشارات سمت

- صفوی زاده، نسرین، اقا حسینی، تقی، (۱۳۸۶) «شیوه های مدیریت کلاس و مهارت های ارتباط با دانش آموز»، قزوین انتشارات حدیث امروز.

- عباسی، مصطفی و عباسی، رضا و چشمگان زاده، سارا (۱۳۹۳)، «بررسی شیوه های ارزیابی و اثربخشی آموزش در سازمان ها و مراکز آموزشی (آموزش و پرورش و مراکز دانشگاهی)»، اولین سمپوزیوم بین المللی علوم مدیریت با محوریت توسعه پایدار، تهران، <https://civilica.com/doc/374814>

- عباسی، مصطفی و زبیری، حسن و عباسی، رضا (۱۳۹۳)، «نقش های معلم در مدیریت کلاس درس»، اولین سمپوزیوم بین المللی علوم مدیریت با محوریت توسعه پایدار، تهران، <https://civilica.com/doc/374815>

- عباسی مقدم، مصطفی. (۱۳۷۱). «نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت». چاپ اول. تهران: سازمان تبلیغات.

- کلهر، منوچهر (۱۳۸۶). « فرایند تدریس و یادگیری اثر بخش » قزوین، مرکز تربیت معلم شهید رجایی قزوین انتشارات حدیث امروز

-Dilekli, Yalçın, Tezci, Erdoğan. (2016). The relationship among teachers' classroom practices for teaching thinking skills, teachers' self-efficacy towards teaching thinking skills and teachers' teaching styles. *Thinking Skills and Creativity*, (21), 144-151

-Klimova, Blanka Frydrychova. (2012). Developing Thinking Skills in the Course of Academic Writing. 3rd World Conference Learnin Teaching and Educational Leadership - WCLTA 2012